

## گونه‌شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری

محمد علی رضایی اصفهانی\*

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۷/۹

### چکیده

در قرآن کریم ۳۲۴ آیه یافت می‌شود که بر اساس احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام با مهدویت مرتبط است. در این باره، کتاب‌ها و مقالات مستقل و غیرمستقل بسیاری نگارش یافته است. البته دلالت این آیات و اعتبار روایات ذیل آن‌ها یکسان نیست، بلکه احادیثی که ذیل این آیات نقل شده است، گاهی به تفسیر آیات و گاهی به تأویل و بطن و گاهی به تطبیق (جری) آیات اشاره دارد؛ همان طور که این آیات و روایات، به موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و تاریخی مهدویت اشاره دارد. کلید واژه‌ها: قرآن، حدیث، مهدویت.

### درآمد

آینده روشن بشریت در پرتو منجی آخرالزمان از موضوعاتی است که در ادیان الهی مطرح بوده است.<sup>۱</sup> در اسلام نیز مسأله مهدویت در روایات شیعه و سنی آمده و حتی در برخی روایات، نام و مشخصات مهدی آل محمد ﷺ آمده است.<sup>۲</sup> البته در قرآن کریم به صورت صریح نام «مهدی» (= محمد بن حسن علیهم السلام) نیامده، بلکه

\*. استاد حوزه و دانشگاه.

۱. ر.ک: کتاب مقدس، مزامیر، مزموور ۳۷، ش ۹ - ۱۸ و مزموور ۹۶، ش ۱۰ - ۱۳ و نیز ملحقات عهد جدید، نامه دوم به پولوس، باب سوم و نیز در کتاب مقدس هندوها اوپانیشادها، ص ۷۳۷ و نیز در زرتشتی‌ها کتاب جاماسب نامه ۱۲۱.  
۲. ر.ک: صافی گلپایگانی (۱۴۱۹).

نام هیچ کدام از امامان علیهم‌السلام بیان نشده است. البته برای این مطلب حکمت‌هایی گفته شده است؛ از جمله این که اولاً قرآن در صدد نام بردن از صحابیان و بستگان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نبوده است، مگر در موارد استثنایی مانند داستان زید (احزاب، ۳۷) و ابولهب (مسد، ۱۰) که برای بیان مطلبی (همچون حکم ازدواج زید و نفرین بر ابولهب) آوردن نام آن‌ها ضرورت داشته است؛ از این رو در موارد متعددی، مطالب مربوط به زنان پیامبر و منافقان مشهور در قرآن آمده است؛ ولی نامی از آن‌ها برده نشده است.<sup>۱</sup> ثانیاً نام بردن افراد، موجب انگیزش حب و بغض‌های متعدد و زمینه‌ساز تحریف قرآن می‌شود و ثالثاً طبق برخی احادیث از امام صادق علیه‌السلام در باره نام «علی» و اهل بیت علیهم‌السلام که در قرآن نیامده است، پرسش شد. آن حضرت به نماز اشاره فرمود که حکم آن در قرآن نازل شده، ولی از سه یا چهار رکعت بودن آن، نامی به میان نیامده است، تا خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این بخش را برای آنان تفسیر کند (فیض کاشانی، ۱۰۹۰: ج ۲، باب ۳۰).

در احادیث و تفاسیر، ۳۲۴ آیه مرتبط با وجود مقدس امام عصر علیه‌السلام برشمرده شده است<sup>۲</sup> که دلالت‌های آن‌ها یکسان نیست، بلکه گاهی تفسیر، تأویل، تطبیق (جری) و... است و اعتبار احادیث تفسیری آن‌ها نیز یکسان نیست.

در این نوشتار، برآنیم که این آیات را بیان و دسته‌بندی و شیوه‌های برداشت از آن‌ها را بررسی کنیم. البته در این راستا، به روایات ذیل آیات نیز اشاره نموده و بعد از بیان فهرست کلی آیات، برخی از مهم‌ترین آیات را در هر دسته بررسی می‌کنیم.

### مفهوم‌شناسی

در این نوشتار، چند واژه اساسی وجود دارد که لازم است توضیح داده شود:

۱. قرآن: مقصود کتاب آسمانی مسلمانان است که ۶۲۰۰ آیه دارد و به صورت

۱. نک: سوره تحریم، سوره منافقین، و...

۲. رک: ادامه همین نوشتار.

متواتر از پیامبر ﷺ به دست ما رسیده. این کتاب، تحریف نشده است و در عصر کنونی غالباً با قرائت حفص از عاصم منتشر می‌شود.

۲. مهدویت: مقصود، اعتقاد به منجی‌ای است که در آخرالزمان ظهور می‌کند و بشریت را نجات می‌دهد. این منجی، در ادیان الهی و اسلام مطرح شده و در شیعه با نام محمد بن حسن علیه السلام و لقب‌هایی مانند «مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله» به عنوان دوازدهمین امام معصوم علیه السلام مشخص گردیده است.

۳. تفسیر: دراصل، به معنای کشف و پرده‌برداری است و این جا به کشف معانی کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن هاست؛ به عبارت دیگر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است.<sup>۱</sup>

۴. تأویل: در اصل، به معنای بازگشت دادن است و گاهی به معنای توجیه متشابهات، و معنای خلاف ظاهر لفظ است که به وسیله قرینه حاصل می‌شود،<sup>۲</sup> همان طور که گاهی به معنای باطن نیز می‌آید (معرفت، ۱۳۶۶: ج ۳، ص ۲۸؛ همو، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۱). البته در قرآن، گاهی به معنای تعبیر خواب (یوسف، ۶) و تحقق خارجی عینی مطلب نیز می‌آید (یوسف، ۱۰۰ و اعراف، ۵۳).

۵. بطن: در اصل، به معنای پوشیده و غیرظاهر است، و این جا مقصود، معنایی از قرآن است که از ظاهر کلام به دست نمی‌آید و گاهی در احادیث بیان شده است (مجلسی، ۱۳۸۵: ج ۹۲، ص ۹۷). برخی صاحب نظران آن را به معنای قاعده کلی، برگرفته از آیه می‌دانند که به وسیله الغای خصوصیت به دست می‌آید

۱. در مورد تفسیر معانی لغوی و اصطلاحی متعددی بیان شده است. در اینجا سخن لغویین و برخی ارباب تفسیر و صاحب‌نظران بیان شد. نک: راغب اصفهانی، *مفردات*؛ طباطبائی، *المیزان*، ج ۱، ص ۴؛ سیوطی، *الاتقان*، ج ۲، ص ۱۹۲؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۱، ص ۱۳؛ نگارنده، *منطق تفسیر قرآن*، ص ۲۳ و *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، ص ۳۵-۳۹.

۲. برای واژه تأویل بیش از ده معنای استعمالی بیان شده است که در اینجا دو معنایی که در متن مقصود ماست بیان شد. نک: *مفردات*، ماده‌اول؛ *مجمع البیان*، ج ۳، ص ۱۳؛ *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۲، ص ۱۹۲؛ *التفسیر و المفسرون*، ج ۱، ص ۱۳؛ *التمهیدی فی علوم القرآن*، ج ۳، ص ۲۸.

(معرفت، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۰؛ ذهبی، بی تا: ج ۱، ص ۲۱).<sup>۱</sup>

۶. تطبیق (جری): در اصل، به معنای انطباق یک مفهوم عام و کلی بر فرد خاص و جزئی است، مانند وقتی که «انسان» را بر «علی» اطلاق و تطبیق می‌کنیم. از این شیوه در روایات تفسیری استفاده شده (ادامه همین مقاله) و در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است<sup>۲</sup> و گاهی از آن با عنوان قاعده «جری و تطبیق» یاد می‌شود (طباطبایی، همان: ج ۱، ص ۴۱).

۷. واژه «نزلت»: در اصل، به معنای نزول آیات قرآن در مورد حادثه یا واقعه خاص است و بیشتر در باره شأن نزول‌های قرآن به کار می‌رود؛ هر چند که گاهی در باره قصه‌های گذشته و بیان حکم و تکلیف شرعی دائمی نیز می‌آید (معرفت، همان: ج ۱، ص ۲۵۴؛ بحرانی، ۱۳۴۴: ج ۱، ص ۳۱ و ۳۲).

اما در احادیث تفسیری، نزلت در چند معنا به کار می‌رود:

الف. گاهی به معنای تطبیق یک آیه خاص بر غیر شأن نزول آن به کار می‌رود؛ یعنی در حدیث، آیه‌ای را بر یکی از مسائل مهدویت تطبیق می‌کند و در این حالت، از تعبیر «نزلت» استفاده می‌شود.

مثال: آیه ﴿أَمِّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾؛ «بلکه آیا [معبودان شما بهترند یا] کسی که در مانده را هنگامی که او را می‌خواند، اجابت می‌کند و [گرفتاری] بد را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان [خود یا گذشتگان در] زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبودی با خدا است؟ چه اندک متذکر می‌شوید!» (نمل، ۶۲).

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «آیه در باره قائم نازل شده است»، (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۲۸؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۶۹). در حالی

۱. البته برای واژه «بطن» معانی دیگر نیز بیان شده است، ولی ما در اینجا معنایی را بیان کردیم که در متن مقصود ماست (نک: طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۴۴-۶۵؛ رضایی، اصفهانی، ۱۳۸۵: مبحث بطن).  
۲. عن الباقر علیه السلام: «ظهره تنزله و بطنه تاویله منه ما قد مضى ومنه ما لم یکن یجری کما یجری الشمس و القمر» (مجلسی، همان: ج ۹۲، ص ۹۷).

که آیه فوق، مطلق است و شامل هر فرد مضطر می‌شود، ولی در روایت بر یکی از مصادیق کامل یا کامل‌ترین مصداق آن تطبیق شده است.

ب. گاهی تعبیر «نزلت» به معنای تأویل و بطن آیه به کار می‌رود.

مثال: آیه ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾؛ «بگو: آیا به نظر شما، اگر آب [سرزمین] شما [در زمین] فرو رود، چه کسی آب روانی برای شما می‌آورد؟».

در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده است که فرمود: «هذه نزلت فی القائم یقول: ان اصبح امامکم غائباً لا تدرن این هو فممن یاتیکم بامام ظاهر یاتیکم باخبار السماء والارض وحلال الله و حرامه؟ ثم قال علیه السلام: و الله ما جاء تأویل هذه الآیة ولا بد ان یجئ تأویلها» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۵۸؛ مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۵۲)؛ در حالی که ذیل حدیث سخن از تأویل (و بطن) آیه می‌گوید، اما در صدر حدیث، تعبیر «نزلت» به کار رفته است. پس مقصود از نزول در اینجا، بیان بطن و تأویل آیه فوق است.<sup>۱</sup>

ج. واژه «نزلت» گاهی هم به معنای تفسیر آیه می‌آید؛ همان طور که در باره آیه ۵۵ سوره نور؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «در باره قائم و اصحابش نازل شده است» (نعمانی، همان: ص ۲۴۷). با توجه به عدم تحقق این آیه تا کنون، تنها تفسیر آیه مربوط به امام عصر علیه السلام و یاران آن حضرت، است.

### پیشینه

در باره آیات مهدویت در قرآن، نخست در منابع تفسیری و حدیثی شیعه و اهل سنت مطالبی آمده است؛ از جمله از تفاسیر اهل سنت، تفسیر ابن کثیر ر.ک: تفسیر

۱. در مورد بطن و تأویل آیات مهدویت در ادامه مقاله مطالبی بیان خواهد شد.  
۲. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾، «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد».

قرآن کریم، ج ۲، ص ۶۱۵ و... (۷۷۴ ق) و از شیعه تفسیر مجمع البیان اثر مرحوم طبرسی (۵۴۸ ق) و تفسیر عیاشی (۳۲۰ ق) و تفسیر نور الثقلین اثر عروسی حویزی (۱۱۱۲ ق) و تفسیر البرهان محدث بحرانی (۱۱۰۷ ق) و تفسیر صافی فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق) و تفسیر المیزان علامه محمد حسین طباطبایی (۱۴۰۲ ق) و تفسیر نمونه، ناصر مکارم (معاصر) و تفسیر قرآن مهر، محمد علی رضایی اصفهانی (معاصر) و جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) و... مطالبی بیان شده است. علاوه بر این، کتاب‌ها و مقالات مستقل بسیاری در این باره نگارش یافته است؛ از جمله:

۱. المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)؛
۲. معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام تحت اشراف شیخ علی کورانی؛
۳. موسوعة المصطفى و العترة، حسین شاکری؛
۴. سیمای امام زمان علیه السلام در آئینه قرآن، علی اکبر مهدی پور؛
۵. الامام المهدي فی القرآن و السنة، سعید ابومعاشر؛
۶. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷ ق)، ترجمه علی دوانی، گزیده کتاب مهدی موعود (جلد سیزدهم بحار الانوار)؛
۷. المهدي فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی؛
۸. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت‌زاده خراسانی؛
۹. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی؛
۱۰. طریق الی المهدي علیه السلام المنتظر علیه السلام ایوب؛
۱۱. سوره «العصر» حضرت امام زمان علیه السلام است، عباس راسخی نجفی؛
۱۲. المهدي الموعود فی القرآن الکریم، محمد حسین رضوی؛
۱۳. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی علیه السلام جعفر شیخ الاسلامی؛
۱۴. غریب غیب در قرآن، محمد حسین صفا خواه؛

۱۵. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفائی کاشانی؛
۱۶. القرآن يتحدث عن الامام المهدي عليه السلام، مهدی حسن علاء الدین؛
۱۷. ثورة المواطنين للمهدي عليه السلام، مهدی حمد فتلاوی؛
۱۸. مهدی عليه السلام در قرآن، رضا فیروز؛
۱۹. مهدویت از نظر قرآن و عترت، خیرالله مردانی؛
۲۰. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر عليه السلام مسجد جمکران؛
۲۱. سیمای مهدویت در قرآن، محمد جواد مولوی نیا؛
۲۲. الايات الباهرة في بقیة العترة الطاهرة، سید داوود میر صابری؛
۲۳. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده؛
۲۴. سیمای نورانی امام زمان عليه السلام در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری؛
۲۵. سیمای حضرت مهدی عليه السلام در قرآن، سید جواد رضوی؛
۲۶. جلد سیزده بحار الانوار، علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) که به فارسی نیز ترجمه شده، است.

#### تذکر

لوح فشرده «کتاب‌شناسی منابع اسلامی در باره امام عصر عليه السلام» و نیز لوح فشرده «امام مهدی در آئینه قلم» محصول مشترک پایگاه اطلاع رسانی پارسا، مسجد جمکران و مرکز تخصصی مهدویت قم، با هشت هزار جلد مأخذ شامل کتاب و مقاله و پایان نامه، در این زمینه راهگشا است. نیز لوح فشرده «نورالولاية» که متن کامل ۱۲۶ جلد از منابع مهم مهدویت را گردآوری کرده، قابل استفاده است.

#### فهرست اجمالی آیات مهدویت

در مجامع حدیثی ۳۲۴ آیه قرآن با احادیث مربوط ذکر شده که مرتبط با مهدویت است. البته دلالت و پیوند این آیات با مباحث مهدویت، یکسان نیست؛ گاهی تفسیر آیه در باره امام عصر عليه السلام است و گاهی تأویل و بطن، و گاهی آیه بر

آن حضرت تطبیق (جری) شده و گاهی به نوعی ارتباط بین مباحث مهدویت و آیه برقرار شده است.<sup>۱</sup>

لازم به یادآوری است که ارزش این روایات نیز از نظر سندی و دلالتی یکسان نیست. فارغ از این مباحث، آیاتی که در احادیث مرتبط با مهدویت معرفی شده‌اند بدین قراراند:

سوره حمد، بقره: ۳ و ۳۷ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۳۳ و ۱۴۸ و ۱۵۵ و ۱۵۷ و ۲۱۰ و ۲۴۳ و ۲۴۹ و ۲۵۹ و ۲۶۱ و ۲۶۹، آل عمران: ۳۷ و ۴۶ و ۸۱ و ۸۳ و ۹۷ و ۱۲۵ و ۱۴۰ و ۱۴۲ و ۱۴۴ و ۲۰۰، نساء: ۵۹ و ۶۹ و ۷۷ و ۱۳۰ و ۱۵۹، مائده: ۳ و ۱۲ و ۱۴ و ۲۰ و ۵۴ و ۱۱۸، انعام: ۲ و ۳۷ و ۴۴ و ۴۵ و ۶۵ و ۱۵۸، اعراف: ۴۶ و ۵۳ و ۷۱ و ۹۶ و ۱۲۸ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۹ و ۱۷۲ و ۱۸۱ و ۱۸۷، انفال: ۷ و ۸ و ۳۹ و ۷۵، توبه: ۳ و ۱۶ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۶ و ۵۲ و ۱۱۱ و ۱۱۹، یونس: ۲۴ و ۳۵ و ۳۹ و ۵۰ و ۹۸، هود: ۸ و ۱۸ و ۸۰ و ۸۳ و ۸۶ و ۱۱۰، یوسف: ۱۱۰، رعد: ۷ و ۱۳ و ۲۹، ابراهیم: ۵ و ۲۸ و ۴۵ و ۴۶، حجر: ۱۶ و ۱۷ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۷۵ و ۷۶، نحل: ۱ و ۲۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰، اسراء: ۵ و ۶ و ۷ و ۳۳ و ۷۱ و ۷۲، کهف: ۴۷ و ۹۸، مریم: ۳۷ و ۵۴ و ۷۵ و ۷۶، طه: ۱۱۵ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۳۵، انبیاء: ۱۲ و ۱۳ و ۳۵ و ۷۳ و ۹۵ و ۱۰۵، حج: ۳۹ و ۴۱ و ۴۷ و ۶۵، مؤمنون: ۱ و ۱۰۱، نور: ۳۵ و ۵۳ و ۵۵، فرقان: ۱۱ و ۲۶ و ۵۴ و ۶۳ و ۷۶، شعراء: ۴ و ۲۱ و ۲۰۷، روم: ۱ و ۵، لقمان: ۲۰، سجده: ۲۱ و ۲۹ و ۳۰، احزاب: ۱۱ و ۶۱ و ۶۲، سبأ: ۱۸ و ۲۸ و ۵۱، فاطر: ۴۱، یس: ۳۰ و ۳۳ و ۵۲، صافات: ۸۳ و ۸۴، ص: ۱۷، زمر، ۶۹، غافر: ۱۱ و ۵۱، فصلت: ۳۰ و ۳۴ و ۵۳، شوری: ۱ و ۲ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۴ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۵، زخرف: ۲۸ و ۶۱ و ۶۶، دخان: ۳ و ۴، محمد: ۴ و ۱۷ و ۱۸، فتح: ۲۵، ق: ۴۱ و ۴۲، ذاریات: ۲۲، طور: ۱ و ۲ و ۳ و ۴۷، نجم: ۵۳،



قمر: ۱ و ۶، الرحمن: ۴۱، واقعه: ۱۰ و ۱۱، حدید: ۱۶ و ۱۷ و ۱۹، صف: ۸ و ۹، تغابن: ۱۲، ملک: ۳۰، قلم: ۱۵، معارج: ۱ و ۲ و ۴۴، جن: ۱۶ و ۲۴، مدثر: ۱ و ۲ و ۴ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۰ و ۴۰ و ۴۸، نازعات: ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، عبس: ۱۷ و ۲۳، تکویر: ۱۵ و ۱۶، انشقاق: ۱۹، بروج: ۱، طارق: ۱۵ و ۱۶ و ۱۷، غاشیه: ۱ و ۴، فجر: ۱ و ۴، شمس: ۱ و ۱۵، لیل: ۱ و ۲۱، قدر: ۱ و ۵، بینه: ۵، تکاثر: ۳ و ۴ و ۸، عصر: ۱ / ۳.

تذکر مهم: در برخی مجامع روایی و تفاسیر قرآن، برخی دیگر از آیات قرآن را مربوط به مباحث مهدویت معرفی کرده‌اند، ولی با بررسی‌های به عمل آمده، روشن شد که برخی از این موارد از معصومان علیهم‌السلام نقل نشده است یا نسبت دادن آن‌ها به معصومان علیهم‌السلام مشکوک است.

برای مثال، تفسیر قمی، آیه شصتم سوره حج (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۸۷؛ موسسه المعارف، ۱۴۲۸: ص ۳۸۳) و سیزدهم سوره صف (قمی، همان: ج ۲، ص ۳۶۶؛ موسسه المعارف، همان: ص ۶۰۳) را مربوط به مهدویت دانسته است؛ در حالی که ظاهراً تعبیر، از صاحب تفسیر است. هم چنین ذیل آیه سوره یونس (قمی، همان: ج ۱، ص ۳۱۲؛ موسسه المعارف، همان، ص ۲۴۶) از ابو جارود نقل شده است که معتبر نیست یا ذیل آیات صدو دهم و صدو سیزدهم سوره طه (قمی، همان: ج ۲، ص ۶۵ و ص ۱۴۹؛ مؤسسه المعارف، همان: ص ۳۵۰ و ص ۴۶۷) و بیست و ششم سوره جن (قمی، همان: ج ۲، ص ۳۹۱؛ موسسه المعارف، همان: ص ۶۱۹) با تعبیر «قال» نقل شده و استناد آن به معصوم، روشن نیست و در معجم الاحادیث المهدی، در ردیف آیات مفسر ذکر شده‌اند. نیز برخی روایات مهدویت از ابن عباس نقل شده است، برای مثال در باره آیه ۵۹ سوره نمل از ابن عباس حکایت شده که اهل بیت علیهم‌السلام «صفوة الله» هستند (ابن شهر آشوب،

۱. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی علیه‌السلام الجزء السابع، و کتب تفسیر روایی مثل البرهان، نورالتقلین، صافی، نمونه و...

۱۳۷۹: ج ۳، ص ۳۸۰؛ موسسه المعارف، همان: ص ۴۳۵).

عجیب تر آن که برخی موارد، از کعب الاحبار نقل شده است که از ناقلان اسرائیلیات بوده و روایات او نزد شیعه و سنی بی اعتبار است؛ برای مثال ذیل آیه ۵۵ آل عمران (ابن حماد، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۵۷۸؛ موسسه المعارف، همان: ص ۷۸) و ذیل آیه ۴۷ سوره حج (صدوق، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۵ - ۴۷۴؛ موسسه المعارف، همان: ص ۳۸۱) آیات مذکور را با روایتی از کعب الاحبار نقل کرده است؛ در حالی که به پیامبر ﷺ نیز نسبت داده نشده است. روشن است که نقل این اخبار ضعیف و مرسل، موجب وهن آیات مهدویت می شود؛ از این رو ما این آیات را در لیست آیات مهدویت ذکر نکردیم.

### تقسیم بندی آیات مهدویت

آیات مهدویت، از منظرهای مختلف قابل تقسیم بندی اند. می توان این آیات را از منظر روش شناختی و از منظر موضوعی و از منظر تاریخی و ... دسته بندی کرد. در این نوشتار، به روش شناسی فهم آیات با توجه به روایات تفسیری می پردازیم؛ یعنی از دیدگاه روش ها و قواعد تفسیری به این آیات و روایات توجه می شود. در مبحث مبانی، قواعد و روش های فهم و تفسیر قرآن، تقسیم های مختلفی صورت گرفته است<sup>۱</sup> که بر اساس آن ها می توان روایات تفسیری را تقسیم بندی کرد؛ از جمله این که یک دسته از روایات تفسیری، مصادیق آیه را بیان می کند و دسته دیگر، تأویل و بطن، و دسته دیگر، تفسیر آیه را روشن می سازد. این تقسیم بندی ها در روایات تفسیری آیات مهدویت نیز جاری است.

### الف. تفسیر آیات در مهدویت

برخی احادیث تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده اند، به توضیح مفاهیم و

۱. ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۲) مبانی و روش های تفسیر قرآن، از نگارنده.

مقاصد آیات می‌پردازند؛ یعنی به نوعی تفسیر اصطلاحی آیه را بیان می‌کنند که به برخی از مهم‌ترین این آیات اشاره می‌کنیم.

### ۱. آیات اظهار (تسلط دین اسلام بر ادیان الهی)

منظور، آیاتی هستند که تسلط نهایی دین اسلام بر ادیان الهی را نوید می‌دهند؛ ولی هنوز تحقق نیافته‌اند و تنها تفسیر آن در باره مهدویت صادق است. این آیات، با تعبیر مشابه در چند سوره تکرار شده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾؛ «او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی دین‌ها [پیروز کند؛ و گواهی خدا کافی است» (فتح، ۲۸).

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ «او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی دین‌ها [پیروز کند، گرچه مشرکان ناخشنود باشند» (صف، ۹) و (برائت، ۳۳).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در باره آیه فوق فرمود:

«اذا خرج القائم لم يبق مشرك بالله العظيم و لا كافر الا كره خروجه. لو كان في بطن صخرة لقاتل الصخرة: «يا مؤمن في مشرك فاكسرنى واقتله»؛ (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۸۴؛ عیاشی، بی‌تا: ج ۲، ص ۸۷ ح ۵۲). هنگامی که امام زمان علیه السلام قیام کنند، هیچ مشرک به خدای بزرگ و کافری نمی‌ماند، مگر آن که از قیام امام زمان علیه السلام ناراحت است. اگر [بر فرض] آنان در دل سنگی مخفی شوند، آن سنگ ندا می‌دهد: مؤمن! مشرکی این جاست مرا بشکن و او را بکش».

در برخی احادیث دیگر از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که در باره آیه فوق فرمود:

«والله ما نزل تأويلها بعد» قلت: «جعلت فداك و متى ينزل تأويلها؟» قال: «حين يقوم القائم ان شاء الله...» (بزار، بی‌تا: ۳ - ۳۸۲)؛ «به خدا سوگند! تفسیر این آیه، هنوز نیامده است». پرسیدم: «فدایت شوم! چه موقع تفسیر آیه تحقق می‌یابد؟» فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، ان شاء الله».

واژه «تأویل» در روایت اخیر، به معنای تحقق خارجی عینی است، پس مفاد آیات

فوق در باره پیروزی نهایی دین اسلام بر تمام ادیان، از صدر اسلام تا کنون تحقق نیافته است؛ پس مقصود آیه زمان امام عصر علیه السلام است که به دست او دین اسلام بر همه ادیان پیروز می‌شود. بنابراین تفسیر آیه (نه تأویل اصطلاحی به معنای باطن یا معنای خلاف ظاهر آیه) و مقصود آیه زمان امام عصر علیه السلام است. البته مشابه روایات فوق از اهل سنت نیز حکایت شده است، از این رو برخی مفسران اهل سنت نیز تحقق آیه را هنگام خروج مهدی دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

## ۲. آیه رفع فتنه از جهان

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ «و با آنان [کافران] پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند و دین، یک‌سره از آن خدا باشد. اگر آنان [به کفر] پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند، بینا است» (انفال، ۳۹).

از امام صادق علیه السلام در باره آیه فوق پرسش شد و حضرت فرمود:

«أنه لم يجيء تأويل هذه الآية ولو قد قام قائمنا بعده سيري من يدركه ما يكون من تأويل هذه الآية و ليبلغن دين محمد صلى الله عليه وآله ما بلغ الليل، حتى لا يكون شرك على ظهر الارض كما قال الله» (عیاشی، همان: ج ۲، ص ۵۶، ح ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۹۵: ج ۳، ص ۵۴۳).

در حقیقت، تأویل این آیه هنوز نیامده است. اگر قائم ما قیام کند، بعد از آن است که هر کس او را درک کند، تأویل این آیه را می‌بیند و دین محمد صلى الله عليه وآله به نهایت می‌رسد، تا این که بر روی زمین شرک نخواهد بود؛ همان طور که خدا فرموده است.

البته در این روایت نیز واژه «تأویل» به معنای محقق عینی خارجی است (نه تأویل اصطلاحی به معنای باطن یا خلاف ظاهر آیه). روشن است از صدر اسلام تاکنون، فتنه‌ها کم و بیش وجود داشته و دارد و دین اسلام بر جهان، مسلط نشده

۱. قال السدی: و ذلک عند خروج المهدي (رازی، ۱۴۱۱: ج ۱۶، ص ۴۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ص ۱۲۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۷: ج ۵، ص ۳۰۵) و مشابه این روایت از ابی سعید الخدری از پیامبر صلى الله عليه وآله نقل شده است (میبدی، ۱۳۷۶: ج ۴، ص ۱۱۹).

است و این مطلب که تفسیر آیه است، در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می‌یابد. آلوسی از مفسران بزرگ اهل سنت نیز ذیل آیه فوق اشاره می‌کند که تأویل این آیه هنوز محقق نشده است و هنگام ظهور مهدی تأویل آن خواهد آمد که بر روی زمین هیچ مشرکی نماند (آلوسی، بی‌تا: ج ۹، ص ۱۷۴).

۳. وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛

و به یقین، در زبور بعد از آگاه کننده [= تورات] نوشتیم که: «بندگان شایسته‌ام، آن زمین را به ارث خواهند برد» (انبیاء، ۱۰۵).

از امام باقر علیه السلام حکایت شده است که فرمود:

«الكتب كلها ذكر» و «الارض يرثها عبادي الصالحون» قال: «اللقاء علیه السلام و اصحابه» (طبرسی، ۱۳۹۵: ج ۴، ص ۶۶؛ کاشانی، ۱۳۴۶: ج ۶، ص ۱۲۵؛ صافی، ۱۴۱۹: ص ۱۵۹؛ مجلسی، همان: ج ۹، ص ۱۲۶)؛ همه کتاب‌های آسمانی مصداق ذکر هستند و مقصود از آیه فوق، امام عصر علیه السلام و یاران آن حضرت هستند.

آلوسی که از مفسران بزرگ اهل سنت است، پس از ذکر اقوال در باره آیه فوق، به این نتیجه می‌رسد که وراثت زمین و لوازم آن برای صالحان، در باره مؤمنان است در عصر مهدی و نزول عیسی علیه السلام (آلوسی، همان: ج ۱۷، ص ۹۵). البته این وعده الهی در زبور داود در کتاب مقدس فعلی نیز آمده است: «زیرا که شریران منقطع می‌شوند و اما متوکلان به خداوند، و ارث زمین خواهند شد (انجمن مقدس ایران، ۱۹۸۷: عهد عتیق، زبور داود، مزمور ۳۷، جمله ۹ - ۱۰) و جای دیگر آمده است: صالحان وارث زمین خواهند بود... (انجمن مقدس ایران، همان: جمله ۲۹).

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده

داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد و مسلماً، دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد؛ و البته بعد از ترشان [وضعیت] آنان را به آرامش مبدل می‌کند؛ در حالی که مرا می‌پرستند [و هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت] (نور، ۵۵).

از امام صادق علیه السلام حکایت شده که در مورد آیه فوق فرمود: «در باره قائم و یارانش نازل شده است» (نعمانی، همان: ص ۲۴۷؛ مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۵۸).  
البته مقصود از نزول در این گونه احادیث، همان تفسیر آیه است، نه شأن نزول اصطلاحی آیه.

از اهل سنت، ابن کثیر در ذیل آیه فوق، با ذکر روایتی که تعداد سرپرستان امت را دوازده نفر معرفی می‌کند، یکی از این خلفای عادل را مهدی موعود معرفی می‌نماید که جهان را پر از عدل خواهد کرد (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۶۱۵).  
روشن است این وعده الهی که در کتاب‌های آسمانی پیشین و قرآن آمده است و نیز وعده الهی در باره جانشینی مؤمنان نیکوکار بر کل زمین و برقراری امنیت کامل، هنوز تحقق نیافته است و بر اساس روایات فقط در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می‌یابد.

#### ۴. قیام امام مهدی علیه السلام از نشانه‌های رستاخیز

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ﴾

و آیا انتظاری جز [آمدن] ساعت [= رستاخیز] دارند که ناگهان به سراغشان می‌آید؟ پس به یقین، نشانه‌های آن آمده است؛ هنگامی که [قیامت] به سراغ آنان می‌آید، پس کجا یادآوری‌شان برای آنان [سود] دارد؟ (محمد، ۱۸).

#### از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکایت شده است که فرمود:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند، تا مردی از اهل بیت من را برانگیزد، تا زمین را پر از عدل و داد کند، همان طور که پر از ظلم و جور شده بود. (عروسی حویزی، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۴۶۶).

تشبیه این حدیث از امام علی علیه السلام نیز حکایت شده است (صافی، همان: ص ۲۲۳). این آیه در باره علامت‌های رستاخیز است. مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر «اشراف الساعة» نشانه‌های متعددی را ذکر کرده‌اند؛ از جمله بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، شق القمر، دخان و...؛ (سیوطی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۴۸۹ - ۴۶۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۶، ص ۱۱۰ - ۱۰۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ج ۲۱، ص ۴۴۹). ولی برخی مفسران شیعه و اهل سنت، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یکی از علامت‌های رستاخیز برشمرده (صادقی تهرانی، همان: ج ۲۶، ص ۱۱۰؛ مکارم شیرازی، همان: ۲۱، ص ۴۴۹). و روایات مهدویت را ذیل آیه فوق آورده‌اند؛ سیوطی، همان: ج ۷، ص ۴۸۲ که حدود بیست روایت آورده است). از جمله روایاتی که اهل سنت ذکر کرده‌اند، احادیثی است که مضمون آن، شبیه روایت فوق الذکر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. عن ابن مسعود قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لا تذهب الدنيا او لاتنقضی الدنيا حتی یملک العرب رجل من اهل بیت یواطئ اسمہ اسمی (ابن حنبل، ۱۴۷۵: ج ۱، ص ۳۷۶؛ ترمذی، ۱۴۲۱: ج ۴، ح ۲۲۳، حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ص ۴۴۲).

این گونه احادیث در حقیقت، نشانه‌های رستاخیز را توضیح می‌دهد. و نوعی تفسیر برای آیه فوق به شمار می‌آید.

#### ب. تطبیق آیات بر مهدویت

در بسیاری از احادیثی که ذیل آیات مهدویت آمده است، آن آیه بر مصداق یا مصداق اکمل آن در مسائل مهدویت تطبیق شده است که به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

#### ۱. روز قیام امام عصر علیه السلام از مصادیق غیب و ایام الله

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾؛ «[همان] کسانی که به غیب [= آنچه از حسن پوشیده است] ایمان می‌آورند (بقره، ۳).  
﴿ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ﴾؛ روزهای خدا را به آنان یادآوری کن (ابراهیم، ۵).

از امام علی نقل شده که فرمود:

الغیب (صدوق، همان: ج ۲، ص ۳۴۰)، «يوم الرجعة و يوم القيامة و يوم القائم و هي ايام آل محمد ﷺ و اليها اشارة بقوله: «ذکرهم بايام الله» (مشارق انوار اليقين، ص ۲۵۳):

غیب، همان روز رجعت و قیامت و روز امام عصر علیه السلام است و آن‌ها روزهای آل محمد است که در آیه «یادآوری روزهای خدا» به آن‌ها اشاره شده است.

واژه «غیب»، به معنای چیزی است که از حس پوشیده و پنهان است، ولی در این روایت، به مصادیق آن اشاره شده که روز رجعت، قیامت و ظهور امام عصر علیه السلام است. البته غیب در تفاسیر قرآن بر مصادیق دیگر مثل «خدا»، «وحی» و «بهشت و جهنم» نیز تطبیق شده است. (ر.ک: طبرسی، همان: ج ۱، ص ۱۲۱؛ عروسی حویزی، همان: ج ۱، ص ۳۱؛ مکارم شیرازی، همان: ج ۷، ص ۷۲؛ طبری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۱۶۳).

فخر رازی به شیعه اشکال می‌کند که آنان می‌گویند مقصود آیه، امام مهدی علیه السلام است، ولی تخصیص مطلق دلیل، باطل است (رازی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۲۸)؛ ولی توجه نکرده است که این روایات از باب تعیین مصداق است، نه تخصیص.

## ۲. پرستش خدای ابراهیم علیه السلام در باره امام عصر علیه السلام جاری است

﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾؛

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شاهد بودید؟ وقتی که به پسرانش گفت: «پس از من چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «معبود تو و معبود نیاکانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، معبود یگانه را می‌پرستیم و ما تنها تسلیم او هستیم» (بقره، ۱۳۳).

در حدیثی نقل شده است که از امام باقر علیه السلام در باره تفسیر این آیه پرسیدند و حضرت فرمود: «این آیه در باره قائم جاری است» (عیاشی، همان: ج ۱، ص ۶۱)؛



فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۱۹۲؛ طباطبایی، همان: ج ۱، ص ۳۰۹).  
این حدیث، به روشنی به قاعده جری و تطبیق اشاره دارد، یعنی همان طور که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام موحد بودند و خدای ابراهیم علیه السلام و اسماعیل و... را می‌پرستیدند و به فرزندان خود سفارش می‌کردند، از آنان پرسش می‌کردند و تعهد می‌گرفتند، امام عصر علیه السلام نیز همین گونه رفتار می‌کند. یا این که یکی از مصادیق تسلیم شدگان (مسلمون) برابر خدای متعال، امام عصر علیه السلام است.

### ۳. امام عصر علیه السلام، بقیه الله

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾

ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید و من بر شما نگهبان نیستم.  
(هود، ۸۶)

در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده است که امام عصر علیه السلام هنگام ظهور به کعبه تکیه می‌دهد و ۳۱۳ یار او گرد می‌آیند. اولین جمله‌ای که آن حضرت می‌فرماید، این است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین، ثم یقول: انا بقیة الله فی ارضه و خلیفته و حجتہ علیکم فلا یسلم علیہ مسلم الا قال: السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه...» (صدوق، همان: ص ۳۳۰؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۳۲۴).

امام عصر علیه السلام بعد از تلاوت قسمتی از آیه فوق می‌فرماید: «من ذخیره الهی در زمین و جانشین الهی و حجت او بر شما هستم» پس هیچ کس بر او سلام نمی‌کند مگر این که می‌گوید: سلام بر توای ذخیره الهی در زمین!».

البته روشن است که اصل این آیه کلام حضرت شعیب علیه السلام است (ر.ک: هود، ۸۷-۸۴)؛ ولی حضرت شعیب علیه السلام یک قاعده کلی را بیان می‌کند که ذخیره الهی مانند پیامبران الهی برای شما بهتر هستند؛ اگر مؤمن باشید، ولی طبق حدیث فوق، امام باقر علیه السلام مفهوم کلی آیه را بر مصداق خاص یا مصداق کامل آن - یعنی امام عصر علیه السلام - تطبیق کرده است.

#### ۴. امام عصر علیه السلام مضطر است

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أُوْلَئِكَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾؛

بلکه آیا [معبودان شما بهترند یا] کسی که درمانده را، هنگامی که او را می‌خواند، اجابت می‌کند و [گرفتاری] بد را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان [خود یا گذشتگان در] زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه اندک متذکر می‌شوید» (نمل، ۶۲).

امام صادق علیه السلام فرموده: «نزلت فی القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله هو والله المضطر إذا صَلَّى فی المقام رکعتین ودعا الله فأجابه و یکشف السوء و يجعله خليفة فی الأرض (فیض کاشانی، همان: ج ۴، ص ۷۱؛ بحرانی، همان: ج ۳، ص ۲۰۸؛ مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۴۸).

در احادیث متعددی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام حکایت شده است که این آیه در باره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، هنگامی که ظهور می‌کند و نزد مقام (نزدیک کعبه) دو رکعت نماز می‌گزارد و دعا و تضرع می‌کند. خدا نیز دعای او را مستجاب می‌فرماید و مشکل برطرف می‌گردد و آن حضرت (ظهور کرده و) خلیفه الهی در زمین می‌شود (ر.ک: مجلسی، همان، ج ۵۱، ص ۵۹).

البته پیش‌تر بیان شد که واژه نزول در این احادیث، به معنای تعیین مصداق است، نه شأن نزول اصطلاحی؛ یعنی مفهوم مضطر، شامل هر شخصی است که در اثر مشکلات به اضطرار دچار شود و امام عصر علیه السلام یکی از مصادیق کامل مضطر در زمان غیبت است.

البته در این باره، آیات و روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد؛ از جمله ذیل آیه ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا﴾؛ «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده است، رخصت [جهاد] داده شد؛ به سبب این که آنان مورد ستم واقع شده‌اند» (حج، ۳۹) که به مظلومان اجازه جنگ می‌دهد. در حدیثی از امام باقر علیه السلام این آیه بر امام عصر علیه السلام و یاران آن حضرت تطبیق شده است (مجلسی، همان: ج ۲۴، ص

۲۲۷). نیز ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران در روایتی از امام باقر علیه السلام عبارت «رابطوا» را بر ارتباط با امام منتظر تطبیق کرده‌اند (بحرانی، همان: ج ۱، ص ۳۳۴).  
نیز در روایتی از امام علی علیه السلام «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛ «و در آینده خدا گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند» (مائده، ۵۴). این آیه بر مهدی علیه السلام تطبیق شده است (قندوزی، ۱۲۹۴: ج ۳، ص ۳۳۷).  
همچنین ذیل آیه:

«فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ»؛ «پس انتظار بکشید که به‌زودی خواهید دانست چه کسی اهل راه درست است» (طه، ۱۳۵).

در روایتی از امام کاظم علیه السلام «صراط سوئی» بر امام عصر علیه السلام تطبیق شده است (بحرانی، همان: ج ۳، ص ۵۰؛ مجلسی، همان: ج ۲۴، ص ۱۵۰).

و نیز ذیل آیه:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ «و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منت نهمیم و آنان را پیشوایان [زمین] کنیم و آنان را وارثان [آن] قرار دهیم» (قصص، ۵).

در احادیث متعددی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام حکایت شده است که امامان علیهم السلام مستضعفون هستند و این آیه، مربوط به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر می‌شود و بر جباران پیروز می‌گردد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند (بحرانی، همان: ج ۳، ص ۲۲۰، طوسی، همان: ص ۱۸۴).

روشن است این گونه احادیث، مصداق این آیه را بر می‌شمارد و از باب جری و تطبیق است؛ وگرنه اصل آیه در باره پیروزی بنی اسرائیل بر فرعونیان است؛ اما واژه «ترید» که به صورت مضارع آمده و اراده مستمر الهی را بیان می‌کند، بیان نوعی سنت الهی است که در طول تاریخ جاری است و در هر عصر، مصداق جدیدی دارد و قیام امام عصر علیه السلام از مصداق کامل آیه است.

### ج: تأویل و بطن آیات در مورد مهدویت

برخی روایات تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده است، به تأویل آیات اشاره می‌کند؛ البته تأویل به معنای اعم که شامل بطن و معنای خلاف ظاهر آیه می‌شود. در این جا به چند مورد از مهم‌ترین این آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

#### ۱. تأویل حروف مقطعه در باره مهدویت:

﴿حم \* عسق﴾ (شوری، ۱ و ۲).

در باره دو آیه فوق، روایات متعددی در منابع شیعه و سنی نقل شده است و تأویل این آیات را مربوط به مهدی علیه السلام دانسته‌اند (ر.ک: مجلسی، همان: ج ۶۰، ص ۱۱۹ و ج ۹۲، ص ۳۷۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۷: ج ۸، ص ۳۰۳). از جمله از امام باقر علیه السلام نقل شده که آیه، اشاره به سال‌های امام عصر علیه السلام است یا حوادث زمان حضرت و هنگام خروج او در مکه است (قمی، همان: ج ۲، ص ۸ - ۲۶۷؛ حسینی استر آبادی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۵۴۲؛ بحرانی، همان: ج ۴، ص ۱۱۵).

البته در باره تفسیر حروف مقطعه، بین مفسران دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و روایات متعددی نیز نقل شده است؛ از جمله این که این حروف، رمزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است یا این که مربوط به تحدی قرآن است که به وسیله همین حروف الفبای معمولی ساخته شده، ولی معجزه است و... (ر.ک: طباطبایی، همان: ج ۱؛ مکارم، همان: ج ۱؛ رضایی، ۱۳۸۷: ج ۱، ذیل آیه اول سوره بقره).

#### ۲. باطن حق و باطل

در برخی احادیث تفسیری آیات مهدویت، به صورت صریح از باطن آیات سخن گفته شده است؛ از جمله در باره آیات زیر که ظاهر آن در باره جنگ بدر است که به مسلمانان وعده داده شد یا بر لشکر مشرکان مکه پیروز می‌شوند یا بر کاروان تجارتنی آن‌ها غلبه می‌کنند.

﴿وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونَ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ

الْكَافِرِينَ \* لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾

و [به یاد آورید] هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [=کاروان تجاری قریش، یا لشکر آنان] را وعده داد که آن برای شما باشد؛ و آرزو می‌کردید که [گروه] غیرمسلح برای شما باشد؛ و [لیکن] خدا می‌خواهد حق را با کلماتش [= وعده‌هایش] تثبیت کند و دنباله‌ی کافران را قطع سازد \* تا حق را تثبیت کند و باطل را نابود گرداند؛ و گر چه خلافکاران ناخشنود باشند» (انفال، ۷ - ۸).

اما در احادیث حکایت شده که از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر این آیه پرسش شد، فرمود:

«تفسیرها فی الباطن یرید الله فانه شیء یریده ولم یفعله بعد، و اما قوله «لیحق الحق بکلماته» فانه یعنی یحق حق آل محمد و اما قوله «بکلماته» قال: کلماته فی الباطن علی هو کلمة الله فی الباطن و اما قوله و «یقطع دابر الکافرین» فهم بنو امیه هم الکافرون یقطع الله دابره و اما قوله «لیحق الحق» فانه یعنی لیحق حق آل محمد حین یقول القائم و اما قوله «ویبطل الباطل»، یعنی القائم، فاذا قام یبطل باطل بنی امیه و ذلك قوله «لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون» (عیاشی، همان: ج ۲، ص ۵۰؛ مجلسی، همان: ج ۲۴، ص ۱۷۸).

تفسیر این آیه را خدا در باطن اراده کرده است که آن چیزی است که اراده شده؛ ولی هنوز انجام نداده است. پس مقصود از تحقق حق با کلمات الهی، یعنی حق آل محمد. و اما مقصود از «کلمات» کلمات الهی در باطن است و علی کلمة الله در باطن است. و اما مقصود از قطع دنباله کافران، بنی امیه است که کافرنند و خدا دنباله آنان را قطع می‌کند. و اما مقصود از تحقق حق، یعنی حق آل محمد که هنگام قیام قائم علیه السلام تحقق می‌یابد. اما مقصود از ابطال باطل یعنی هنگامی که قائم قیام می‌کند و باطل بنی امیه را باطل می‌سازد. و این، مقصود خدا در آیه ﴿لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾ است.

### ۳. باطن آیات پیروزی روم و ایران

﴿الْم \* غَلَبَتِ الرُّومُ \* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ \* فِي بَعْضِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ \* بِنَصْرِ اللَّهِ﴾

يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ؛

الف، لام، میم \* [سپاه] روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛ \* و [لیکن] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به‌زودی پیروز خواهند شد \* کار [ها] قبل از [آن شکست] و بعد از [این پیروزی]، فقط از آن خدا است؛ و در آن روز، مؤمنان از یاری الهی [و پیروزی دیگری] شاد می‌شوند \* [خدا] هر کس را بخواهد [و شایسته بداند]، یاری می‌رساند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است» (روم، ۱ - ۵).

در برخی احادیث، حکایت شده است که امام صادق علیه السلام در باره ذیل آیه یعنی خوشحالی مؤمنان برای پیروزی رومیان فرمود: «هنگام قیام قائم» (حسینی استرآبادی، همان: ج ۱، ص ۴۳۴؛ مجلسی، همان: ج ۳۱، ص ۵۱۶) و در جای دیگر فرمود: «فی قبورهم بقیام القائم» (ابن جریر طبری، ۱۳۸۳: ص ۲۴۸؛ بحرانی، همان: ج ۳، ص ۲۵۸).

#### ۴. رجعت باطن آیه

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛ «قطعاً، کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به سوی بازگشتگاه [مکه] بازمی‌گرداند. بگو: پروردگار من داناست که به کسی که هدایت آورده و به کسی که وی در گمراهی آشکار است» (قصص، ۸۵).

در روایتی از امام باقر علیه السلام حکایت شده است که فرمود: «خدا رحمت کند جابر را که علم او به جایی رسیده بود که تأویل این آیه را می‌دانست که رجعت است» (مجلسی، همان: ج ۲۲، ص ۹۹؛ بحرانی، همان: ج ۳، ص ۲۳۹).

در این گونه روایات، مقصود از باطن می‌تواند همان معنایی باشد که مرحوم علامه معرفت در معنای بطن فرموده است که با انجام چهار مرحله (به دست آوردن هدف آیه، الغای خصوصیت از آیه، استباط قاعده کلی از آیه و تطبیق آیه بر مصادیق جدید در هر عصر) صورت می‌گیرد؛ برای مثال، در روایت دوم از شأن نزول آیه که مسأله جنگ بدر است، الغای خصوصیت شده و یک قاعده کلی به

دست آمده که اراده الهی بر تحقق حق با کلمات الهی و قطع دنباله کافران است (ر.ک: معرفت، همان: ج ۱، ص ۲۹).

این مطلب، بر مصداق کامل آن در زمان امام عصر علیه السلام تطبیق شده است. و تعبیر «یرید» نیز که مضارع است و بر استمرار اراده الهی به صورت سنت الهی دلالت دارد، می‌تواند قرینه این تفسیر باطنی آیه باشد. نیز در روایت سوم که در باره جنگ ایران و روم است، الغای خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی برای خوشحالی مؤمنان پس از پیروزی، بر خوشحالی مؤمنان در هنگام قیام امام عصر علیه السلام و پیروزی یاران او تطبیق شده است. و همچنین در باره روایت چهارم که بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مکه به مدینه بازگشت مجدد آن حضرت را وعده می‌دهد، الغای خصوصیت شده و با اخذ قاعده کلی، بر بازگشت مؤمنان در رجعت تطبیق شده است.

#### د: آیات مرتبط با مهدویت

این جا مقصود، آیاتی است که در احادیث به گونه‌ای با مسائل و موضوعات مهدویت مرتبط شده است؛ اما از نوع تفسیر، تطبیق و تأویل نیست که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. تشبیه جریان مهدویت

برخی احادیث که ذیل آیات مرتبط با مهدویت مطرح کرده‌اند، نوعی تشبیه و مثال را بیان می‌کند؛ برای مثال، در باره آیه ۲۴۹ سوره بقره از امام صادق علیه السلام چنین حکایت شده است:

«ان اصحاب طالوت ابتلوا بالنهر الذی قال الله تعالی ﴿مُبْتَلِيْكُمْ بِنَهْرٍ﴾ و ان اصحاب القائم یبتلون بمثل ذلک» (نعمانی، همان: ص ۳۳۰؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۳۲).

یاران طالوت با [آب خوردن از] نهر آب امتحان شدند؛ همان طور که خدا فرمود: «شما را به نهری آزمایش می‌کنیم» و یاران قائم نیز به مانند آن آزمایش

می شوند.

نیز ذیل آیه «يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ»؛ «درباره ساعت [قیامت] از تو می پرسند» (اعراف: ۱۸۷)، در روایتی از پیامبر ﷺ حکایت شده است که مثال او [مهدی] مثل ساعت [رستاخیز] است که ناگهان فرا می رسد (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ص ۲۴۸).

## ۲. آثار قرائت قرآن

در برخی احادیث که ذیل آیات مهدویت نقل شده آثار قرائت قرآن بیان شده است؛ مثلاً از امام صادق علیه السلام حکایت شده است:

هر کس سوره بنی اسرائیل [اسراء] را هر شب جمعه قرائت کند؛ نمی میرد، تا این که قائم را درک می کند و از اصحاب آن حضرت خواهد بود (عیاشی، همان: ج ۲، ص ۲۷۶).

در برخی دیگر از احادیث، آیاتی که امام عصر علیه السلام قرائت می کند، بیان شده است؛ از جمله ذیل آیه «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ»؛ «و هنگامی که از شما ترسیدم، از میانتان فرار کردم» (شعراء، ۲۱). از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که هنگامی که قائم علیه السلام قیام می کند، این آیه را تلاوت می کند (نعمانی، همان: ص ۱۷۹). این گونه احادیث، هر چند که با موضوع کلی مهدویت و امام عصر علیه السلام مرتبط است، اما تفسیر و تأویل آیات به شمار نمی آید؛ هرچند در کتابهایی که آیات تفسیری مهدویت را ذکر کرده اند، آمده است (ر.ک: هیئت علمیه، همان: ص ۶۸ و ۳۱۵ و ۴۳۲).

## تذکر پایانی

آیات مهدویت و روایات تفسیری آن ها از جهات دیگر نیز قابل بررسی است؛ مثلاً از منظر موضوعات، برخی آیات و روایات مهدویت، موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و قضایی را بیان می کند، از نظر تاریخی نیز برخی آیات و روایات تفسیری مهدویت، به قبل از تولد امام عصر علیه السلام - یعنی بشارت به وجود آن حضرت - و برخی در عصر غیبت و برخی به نشانه های ظهور و جامعه مطلوب مهدوی و برخی



نیز به رجعت اشاره دارد. البته بررسی همه این موارد از حوصله این نوشتار خارج است.

### نتیجه

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که بر اساس روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت  به ابعاد مختلف مهدویت اشاره دارد. این احادیث، گاهی به تفسیر آیات و گاهی به تأویل و بطن و گاهی به مصادیق آیات اشاره دارد و از نظر موضوعات نیز این آیات و روایات تفسیری، به موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی و تاریخی متعدد اشاره دارد.



## منابع

۱. ابن جریر طبری آملی مازندرانی، ابوجعفر محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم، دارالذخائر للمطبوعات، ۱۳۸۳ق.
۲. ابن حماد، نعیم، *الفتن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، الطبعة الثالثة، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل آبی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۵. ابن کثیر، ابوالفداء، *تفسیر القرآن المعظم*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۶. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام*، تبریز، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، بی نو ۱۳۸۱ق.
۷. آلوسی، ابوالفضل، *روح المعانی*، تهران، جهان، بی تا.
۸. آلوسی، ابوالفضل، *روح المعانی*، تهران، جهان، بی تا.
۹. انجمن مقدس ایران (ناشر)، *کتاب مقدس*، شامل تورات و انجیل و کتاب های مقدس یهودیان و مسیحیان تهران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۸۷ م.
۱۰. بحرانی، سید هاشم الحسینی، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، دار الکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش.
۱۱. بزار، محمد بن عباس بن علی، *تاویل منازل فی القرآن الکریم*، بی جا، بی تا.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، *الجامع الصحیح سنن الترمذی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۳. ثعلبی، ابو اسحاق احمد، *تفسیر الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۷ق.
۱۴. حاکم نیشابوری، حافظ ابی عبدالله، *مستدرک حاکم*، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه، بی تا.
۱۵. حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، *تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، قم، مؤسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. خزار قمی، علی بن محمد، *کفایة الاثر فی نص علی الائمة الاثنی عشر*، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۱۷. ذهبی، محمد بن حسن، *التفسیر والمفسرون*، بیروت، دارالبیوسف، بی تا.
۱۸. رازی، فخر الدین تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

۱۹. رشیدرضا، محمد، تفسیر قرآن کریم، قاهره، مکتبه القاهره، بی تا.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷ش.
۲۱. \_\_\_\_\_، منطقی تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، قم، نشر جامعه المصطفی ص العالمیه، ۱۳۸۵ش.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۲۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، الاتقان، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰ش.
۲۴. صادقی تهرانی، دکتر محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۲۵. صافی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، مؤسسه السیده المعصومه، ۱۴۱۹ق.
۲۶. صدوق، شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۲۷. \_\_\_\_\_، الخصال، قم، جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۲۸. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق.
۲۹. طبرسی (امین الاسلام)، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۳۰. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۳ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، غیبت، قم، موسسه المعارف، ۱۴۱۱ق.
۳۲. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، نورالثقلین، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ق.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاشی السلمی، کتاب التفسیر، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
۳۴. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر صافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.
۳۵. \_\_\_\_\_، وافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۰۹۰ق.
۳۶. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قم، موسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۸. قندوزی. سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، قم، کتابفروشی محمدی، ۱۲۹۴ق.
۳۹. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۶ش.
۴۰. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۱. مجلسی، علامه محمد تقی، بحارالانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۱۰ جلد، ۱۳۸۵ش.
۴۲. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، قم، موسسه التمهید، ۱۳۸۳ش.

۴۳. \_\_\_\_\_، التمهيد في علوم القرآن، قم، مركز مديريت حوزه علميه قم، ۱۳۶۶ ش.
۴۴. \_\_\_\_\_، تفسير و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگي التمهيد، ۱۳۷۹ ش.
۴۵. مكارم شيرازي، ناصر (با همكاري جمعي از نويسندگان)، تفسير نمونه، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۴ ش.
۴۶. ميدي، احمد بن محمد، كشف الاسرار و عدة الابرار (تفسير خواجه عبدالله انصاري)، تهران، اميركبير، ۱۳۷۶ ش.
۴۷. نعماني، محمد، غيبت، تهران، صدق، ۱۳۹۷ ق.
۴۸. الهيئة العلمية في مؤسسة المعارف الاسلامية، معجم احاديث الامام المهدي، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه مسجد جمكران، ۱۴۲۸ ق.